

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی

۳۱ جنوری ۲۰۲۲

سانسور و اختناق و «نمایشگاه مجازی» کتاب در جمهوری اسلامی ایران!

نمایشگاه مجازی کتاب که وزارت ارشاد جمهوری اسلامی اعلام کرده است، در دسترس نیست و یا هدفش تبلیغات تولید اسلامی و کتاب‌های مورد تایید حاکمیت است و از همین رو، یک تبلیغات دروغین جمهوری اسلامی است. به‌علاوه مهم‌تر از همه، نمایشگاه‌های کتاب در ایران چه زمانی که حضوری برگزار می‌شد و چه اکنون که مجازی شده‌اند، با معیارهای نمایشگاه‌های کتاب در جهان سازگار نبوده‌اند و نیستند.

دومین سال است که جمهوری اسلامی ایران به بهانه همه‌گیری بیماری کرونا از برگزاری نمایشگاه کتاب تهران که از آن به عنوان بزرگ‌ترین رویداد فرهنگی سال یاد می‌کنند جلوگیری می‌کند. این در حالی است که هیچ‌گونه محدودیتی برای برگزاری مراسم مذهبی و دولتی وجود ندارد.

در حالی که فضای سانسور و محدودیت‌های گوناگون علیه نویسندگان و ناشران بر جامعه فرهنگی ایران سنگینی می‌کند. امکان تجمع از نویسندگان ایرانی سلب شده است و گردهم‌آیی‌های کانون نویسندگان ایران و حتی دیدارهای خصوصی نویسندگان گاه با دستگیری و بازجویی روبه‌رو می‌شود.

سانسور و فضای بسته فرهنگی بر نشر کتاب و کتاب‌خوانی در جامعه ایران تأثیری عمیق گذاشته است، به‌طوری که در سال‌های اخیر، بحث از تیراژ نازل نشر کتاب است که در جامعه ۸۴ میلیونی ایران، گاه به کمتر از ۵۰۰ نسخه نیز می‌رسد.

اساساً تولیدات فرهنگی نشان‌دهنده فعالیت فکر و ذهن و رشد و توسعه یک جامعه هستند و پویا بودن آن به معنی تأثیرگذار در جامعه است، برعکس آن نیز به نوعی مرگ مغزی جامعه به حساب می‌آید.

مسئولان جمهوری اسلامی ایران، همواره آمارها را دست‌کار می‌کنند و اطلاعات غلط به جامعه ارایه می‌دهند. برای مثال منصور واعظی، دبیرکل وقت نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، در اظهارات خود در بهمن‌ماه ۱۳۹۱ مدعی شده بود، از سال ۱۳۸۷ بررسی میزان مطالعه با روش‌های کاملاً جدیدی انجام می‌شود که مطابق آن سرانه مطالعه در ایران در حال حاضر به ۷۵ دقیقه و ۳۶ ثانیه در روز رسیده است. این آمار را هرندی وزیر ارشاد دولت احمدی‌نژاد با افزودن ۱۷ رکعت نماز در روز به «مطالعه»، به نوعی تکرار کرد.

بدون شک تداوم همین خط‌قرمزها و سانسورهای دولتی برای جامعه به خصوص اهالی حوزه فرهنگ و اندیشه، بسیار مضر و دردناک است.

بر اساس گزارش شورای عالی انقلاب فرهنگی، تنها ۵۸ درصد مردم ایران مطالعه غیردرسی دارند و میزان مطالعه این بخش از جامعه به‌طور میانگین ۷ ساعت و ۴۱ دقیقه در ماه است که ۳ ساعت و ۷ دقیقه آن صرف خواندن قرآن و ادعیه می‌شود.

دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۸ نتایج گزارشی با عنوان «رصد فرهنگ رفتاری خانواده ایرانی در سال ۱۳۹۶» را منتشر کرده که حاصل پژوهش آماری در مناطق شهری و روستایی ایران در میان افراد ۱۵ ساله و بیش‌تر بوده است.

سرانه مطالعه به میزان مطالعه مردم در طول یک سال معین گفته می‌شود که معمولاً به‌صورت میانگین زمان مطالعه در یک شبانه‌روز برای هر نفر بیان می‌شود، اما شورای عالی انقلاب فرهنگی در گزارش خود این آمار را به‌صورت ماهانه و صرفاً بر مبنای درصدی از جمعیت که مطالعه غیردرسی دارند استخراج و منتشر کرده است.

اعداد و ارقام سرانه مطالعه در ایران همواره دچار تشتت، هم در شیوه محاسبه و هم در نتیجه‌گیری نهایی، بوده تا جایی که در یکی دو دهه اخیر سرانه مطالعه ایرانیان از دو دقیقه تا ۱۲۰ دقیقه در شبانه‌روز اعلام شده است.

علی‌اکبر اشعری، رییس وقت کتابخانه ملی ایران در دولت محمود احمدی‌نژاد، گفته بود: «سرانه مطالعه هر ایرانی در شبانه‌روز فقط دو دقیقه است. اگر زمان درس خواندن را هم به این رقم اضافه کنیم، سرانه مطالعه هر ایرانی می‌شود ۶ دقیقه. در حالی که سرانه مطالعه آمریکایی‌ها ۲۰ دقیقه، انگلیسی‌ها ۵۵ دقیقه و ژاپنی‌ها ۹۰ دقیقه است.»

تقریباً در همان زمان منصور واعظی، دبیرکل وقت نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، اعلام کرد که سرانه مطالعه ۱۸ دقیقه است. اما این آمار و ارقام صدای محمد سالاری، مدیرکل وقت دفتر برنامه‌ریزی و مطالعات فرهنگی و کتاب‌خوانی، را درآورد و آن را «سیاه‌نمایی» وصف کرد و گفت سرانه مطالعه ایرانیان ۱۲۰ دقیقه در شبانه‌روز است. جالب‌توجه این‌که تا آن زمان، تنها آمار نسبتاً رسمی موجود مربوط بود به بررسی مرکز پژوهش‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۸۱ که سرانه مطالعه را ۷ دقیقه در شبانه‌روز اعلام کرده بود.

دنیای اقتصاد نیز در تاریخ یکشنبه ۲۸ شهریور ۱۴۰۰ نوشت: گزارش مرکز آمار در مورد سرانه مطالعه افراد ۱۵ ساله و بیش‌تر در سال ۱۳۹۹ حاوی چند نکته مهم است. نخست این‌که سهم مطالعه روزانه افراد مذکور در روز معادل ۱۶ دقیقه و ۳۶ ثانیه بوده که در ماه معادل ۸ ساعت و ۱۸ دقیقه است؛ از این مقدار ۶ ساعت و ۳۲ دقیقه سرانه مطالعه کتاب غیردرسی، یک ساعت و ۲۳ دقیقه سرانه مطالعه روزنامه و ۲۳ دقیقه سرانه مطالعه نشریات بوده است. علاوه بر این متوسط حضور روزانه افراد در شبکه‌های اجتماعی در کشور طی سال گذشته ۹۲ دقیقه بوده است. بنابراین می‌توان گفت که در کشور ما مدت زمان حضور در شبکه‌های اجتماعی حدود ۶ برابر مدت زمانی است که صرف خواندن کتاب می‌شود.

دوم این‌که معادل ۳۷/۱ درصد از افراد باسواد بیش‌تر از ۱۵ سال سن، سال گذشته هیچ مطالعه غیردرسی نداشته‌اند. سوم این‌که میزان مطالعه کتاب غیردرسی اعم از چاپی یا الکترونیکی در سال ۱۳۹۹ به میزان ۸/۴ درصد افزایش داشته است. دیگر این‌که سرانه مطالعه ماهانه روزنامه حدود ۲/۵ برابر نشریه است. مورد دیگر این است که اولویت مطالعه افراد در سال گذشته به ترتیب مطالعه قرآن و ادعیه، رمان و داستان‌های کوتاه بزرگسالان، روان‌شناسی و تربیتی و موضوعات دینی (به جز ادعیه و قرآن) بوده است.

در نهایت این‌که بررسی سرانه مطالعه در استان‌های کشور نشان می‌دهد که استان‌های یزد با ۱۵ ساعت و ۱۶ دقیقه، قم با ۱۵ ساعت و ۱۲ دقیقه و قزوین با ۱۲ ساعت و ۵۸ دقیقه در ماه بیش‌ترین و استان‌های کرمانشاه با ۳ ساعت و ۴۰ دقیقه،

کهگیلویه و بویراحمد با ۳ ساعت و ۲۲ دقیقه و بوشهر با ۲ ساعت و ۴۰ دقیقه در ماه کمترین سرانه مطالعه را در سال گذشته در بین استان‌های کشور داشته‌اند.

اما برای رسیدن به رقم دقیق‌تر سرانه مطالعه ایرانیان قاعدتا باید ۴۲ درصد دیگر از جمعیت بالای ۱۵ سال را نیز که به هر دلیلی هیچ‌گونه مطالعه‌ای ندارند در محاسبه آورد. در این صورت، با یک ضرب و تقسیم ساده می‌توان گفت که سرانه مطالعه ایرانیان کمی بیش‌تر از ۵ دقیقه در شبانه‌روز است.

به طور دقیق‌تر و به فرض صحت آمار و ارقام موجود در این گزارش، سرانه مطالعه غیردرسی بدون احتساب خواندن قرآن و ادعیه در میان حدود ۶۰ میلیون نفر که جمعیت بالای ۱۵ سال ایران را تشکیل می‌دهند، حدود ۵ دقیقه در شبانه‌روز در سال ۱۳۹۶ بوده است. و اگر این رقم درست باشد، در مقایسه با آمار رسمی سال ۸۱ نشان می‌دهد که سرانه مطالعه به نسبت ۱۵ سال قبل دو دقیقه در شبانه‌روز نیز کم‌تر شده است.

بررسی آمارهای رسمی در مورد میزان مطالعه کشورهای منتخب جهان نشان می‌دهد که هند با میزان ۱۰ ساعت و ۴۲ دقیقه در صدر این رتبه‌بندی قرار دارد. با وجود این‌که هند سطح علمی و سواد پایین‌تری دارد، ولی از سطح مطالعه بسیار بالایی برخوردار است و مردم این کشور با مطالعه بالا در حال ارتقای این آمار هستند. تایلند با ۹ ساعت و ۲۴ دقیقه و چین با ۸ ساعت به ترتیب در جایگاه‌های بعدی قرار دارند. مطالعه برای دانشجویان چینی نوعی سرگرمی محسوب می‌شود. مورد دیگر این‌که عربستان سعودی با ۶ ساعت و ۴۸ دقیقه و ترکیه با ۵ ساعت و ۵۴ دقیقه به ترتیب در جایگاه‌های ۱۰ و ۱۸ این رتبه‌بندی جهانی قرار دارند. بنابراین می‌توان گفت، سرانه مطالعه در کشور ما بسیار پایین است.

کارشناسان و صاحب‌نظران اقتصادی بر این باورند که در راستای افزایش سرانه مطالعه و کتابخوانی توجه به فرهنگ‌سازی مطالعه در دوران کودکی و نیز نهادینه کردن محصولات فرهنگی و ترویج آن و صد البته آزادی بیان و اندیشه امری مورد نیاز است.

در هر حال، آنچه مسلم است پایین بودن آشکار سرانه مطالعه ایرانیان در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته و حتی کشورهای چون ترکیه و مالزی است که گفته می‌شود سرانه مطالعه در آن‌ها در همین بازه زمانی چندین برابر ایران بوده است.

گرایش و عادت تاریخی ایرانیان به ادبیات و فرهنگ شفاهی، سانسور گسترده و سیستماتیک دولتی و حکومتی، نفوذ اینترنت و استفاده روزافزون از گوشی‌های هوشمند، ضعف آموزش در مدارس، افزایش قیمت کتاب در کنار نابسامانی اوضاع اقتصادی و کاهش قدرت خرید مردم از جمله عواملی است که همواره در بحث پایین بودن میزان مطالعه ایرانی‌ها مطرح می‌شود.

در این اوضاع، بیان آمار و ارقام سرانه مطالعه به‌صورت ماهانه و جدا کردن جمعیتی که مطالعه غیردرسی ندارند از کل جمعیت آماری، آن‌چنان‌که در گزارش شورای عالی انقلاب فرهنگی دیده می‌شود، نه‌تنها سودمند نیست که گمراه‌کننده هم به‌نظر می‌رسد.

مشکل بزرگ جامعه ایران، وجود سانسور نه فقط در حوزه ادبیات داستانی، بلکه در محتواهای علمی و دانشگاهی و سینما و تئاتر و ... نیز اعمال می‌شود و فراتر از همه، در کلیه عرصه‌های جامعه و شئون فردی و جمعی نیز در جریان است.

از سویی «خودسانسوری» نویسنده‌های داخل ایران نیز هشدار دهنده است. برخی‌ها معتقدند که «مجبور بودن» یک نویسنده به خودسانسوری به بهانه انتشار آثارش و یا تامین هزینه‌های زندگی، برخلاف روحیه نویسندگی است.

در دوره‌ای که تشدید سانسور دولتی، فشار گسترده‌تر بر نویسندگان مستقل، زندانی کردن نویسندگان و روزنامه‌نگاران مردمی و حتی کشتن آن‌ها در زندان به بهانه‌های مختلف همچون بکتاش آبتین شاعر و فیلم‌ساز و عضو هیات دبیران کانون نویسندگان ایران، و هم‌زمان امکان و رانت بیش‌تر برای نویسندگان و ناشران حکومتی، راه را برای فعالیت آزاد ادبی و نشر کتاب در ایران بیش از هر زمان دیگری بسته و سانسور دولت جمهوری اسلامی نفس‌گیر شده است.

زنده یاد بکتاش آبتین چندی پیش با اشاره به این که با تغییر روسای جمهور در جمهوری اسلامی «به هیچ‌وجه خط قرمزها تغییر نمی‌کند»، از وجود یک نظام «ضد فرهنگ و هنر» در ایران سخن گفت و اضافه کرد: «تا زمانی که این شیوه وجود دارد، در بر همین پاشنه می‌چرخد.»

این شاعر و فیلم‌ساز همچنین در گفت‌وگوی دیگری درباره جشنواره‌های دولتی گفته است: «معتقدم کسانی که برای جشنواره‌ها تصمیم‌گیری می‌کنند، ممیزها و سانسورچی‌ها هستند؛ نه مسئولان برگزاری آن‌ها.»

رضا خندان (مهابادی)، کیوان باژن، بکتاش آبتین، آرش گنجی و همچنین کیوان صمیمی از اعضای فعال کانون نویسندگان ایران بودند که به زندان‌های طولانی مدت محکوم شده‌اند. تنها جرم این نویندگان دفاع از آزادی و حرمت چرخش آزاد قلم و آزادی بیان و اندیشه و مبارزه با سانسور و اختناق دولتی است.

برای سنجش وضعیت کنونی ادبیات و نشر کتاب ایران همین بس که بسیاری از نویسندگان نامدار ایرانی از کشورشان به اجبار خارج شده‌اند و آنانی که در ایران هستند نیز با فشار سانسور دولت و بازاری که تحت کنترل آثار ترجمه‌ای قرار گرفته، مواجه‌اند.

یکی از تازه‌ترین نمونه‌های سانسور آثار نویسندگان مستقل، ممنوع شدن انتشار آثار سعید مدنی نویسنده و جامعه‌شناس است که به تازگی در نامه‌ای به محمدمهدی اسماعیلی وزیر ارشاد دولت ابراهیم رییسی قاتل به عدم صدور مجوز برای انتشار کتاب‌هایش اعتراض کرد.

بسیاری از داستان‌نویسان و رمان‌نویسان و محققان مستقل ایرانی که سانسور اجازه نمی‌دهد آن‌طور که باید از انتشار کتاب‌هایشان درآمد داشته باشند، برای گذران معیشت خود با مشکلات جدی مواجه‌اند و به برگزاری کارگاه‌های نویسندگی روی آورده‌اند.

با اعمال محدودیت‌ها برای کنترل شیوع کرونا در ایران، برگزاری حضوری نمایشگاه کتاب تهران لغو شد و اولین دوره نمایشگاه مجازی کتاب تهران سرانجام بهمن سال گذشته، پس از بحث‌های طولانی موافقان و مخالفان برگزار شد. اما تجربه برگزاری اولین دوره، چندان موفق نبود و امسال نیز انتقادهایی از سوی ناشران و کارشناسان به سازوکار این نمایشگاه وارد شده است.

در این شرایط بحرانی کرونا، دومین دوره نمایشگاه مجازی کتاب تهران برگزار شده است که هیجان و رغبتی را در میان اهل کتاب ایجاد نکرده و در عرصه بین‌المللی نیز هیچ اهمیت و جایگاهی ندارد.

از نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، که تا پیش از شیوع کرونا در ایران به صورت حضوری و در اردیبهشت‌ماه برگزار می‌شد، به عنوان «بزرگ‌ترین رویداد فرهنگی» در کشور یاد می‌شد.

اما کارشناسان و اهل کتاب انتقادهای جدی نسبت شیوه برگزاری نمایشگاه، به ویژه کم‌رنگ بودن وجه نمایشگاهی آن داشتند و نمایشگاه کتاب تهران را بیش‌تر یک ویترین فروشگاه بزرگ کتاب‌هایی با مضمون و محتوای مذهبی و خرافی می‌دانستند.

اکنون نیز که نمایشگاه کتاب تهران مجازی شده، نه تنها کمبودهای نمایشگاهی نمایشگاه حضوری از بین نرفته، بلکه ویژگی فروشگاه‌های آن برجسته‌تر شده است.

در این نمایشگاه که از سوم بهمن ۱۴۰۰ آغاز شده و قرار است تا روز دهم بهمن ادامه داشته باشد، دولت هر روز آمار فروش کتاب در این نمایشگاه را اعلام می‌کند و بر اساس تازه‌ترین آمار، طی پنج روز اول نمایشگاه مجازی کتاب تهران، بیش از نیم میلیون نسخه کتاب به ارزش ۳۷ میلیارد تومان فروخته شده است.

با وجود این که مردم به هیچ‌کدام آمارهای دولتی اعتمادی ندارند اما در واقع، اگر هم بپذیریم ادعای مقامات دولتی در رابطه با فروش بیش از نیم میلیون کتاب واقعیت دارد، عمدتاً کتاب‌های مورد پسند حکومت و مذهبی هستند. همچنین مجازی شدن نمایشگاه کتاب تهران صرفاً به معنی تبدیل یک فروشگاه موقت بزرگ از حالت حضوری به حالت مجازی است و کارشناسان، این فروش گسترده کتاب را، چه زمانی که حضوری بود و چه اکنون که مجازی است، در نهایت به ضرر بخش‌هایی از شبکه نشر و توزیع کتاب در ایران می‌دانند.

عمده‌ترین اعتراض‌ها به نمایشگاه مجازی کتاب تهران به مشکلات فنی وبسایت این نمایشگاه باز می‌گردد. همان‌طور که هنگام برگزاری اولین نمایشگاه مجازی کتاب تهران نیز، در دسترس نبودن وبسایت نمایشگاه در دو روز آغازین آن، موجی از اعتراض‌ها را برانگیخت.

با این وجود امسال نیز بر اساس گزارش‌های متعددی که در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی منتشر شده، مسئولان وزارت ارشاد نتوانستند در رفع نواقص فنی چندان موفق باشند. به‌طوری که روزنامه شهروند چاپ تهران در شماره روز چهارشنبه ششم بهمن ۱۴۰۰ خود در گزارشی که درباره این نمایشگاه منتشر کرده، نوشته است: «نمایشگاه کتاب مجازی تهران امروز در حالی افتتاح شد که ورود به آن یا غیرممکن است یا کاربری سمج را می‌طلبد که ساعت‌ها پای دستگاه بنشیند و صیوری کند.»

این روزنامه دولتی با کنایه نسبت به مشکلات نمایشگاه حضوری کتاب تهران ادامه داد: «در واقع اگر باد و باران در سال‌های گذشته نمایشگاه کتاب را با مشکلات فراوان مواجه می‌کرد، حالا مشکل این‌جاست که شاید اصلاً نتوانید داخل آن بروید!»

وحید باقی، یک کارشناس سایبری نیز به ایسنا گفت: «طراحی برخی قسمت‌های سایت نمایشگاه مجازی کتاب خیلی با عجله و فقط برای رفع تکلیف انجام شده است.» به عقیده این کارشناس، وبسایت نمایشگاه مجازی کتاب تهران، بیش از آن که وبسایت یک نمایشگاه مجازی باشد، وبسایتی است که فقط با «جلد کتاب‌ها» بارگذاری شده است.

همچنین بخش بین‌المللی نمایشگاه مجازی کتاب تهران نیز با انتقادهایی همراه بوده است. اسماعیل جانعلی‌پور، مقام وزارت ارشاد و مدیر نظارت و ارزشیابی کتاب‌های خارجی دومین نمایشگاه مجازی کتاب تهران اعلام کرده که امسال از ناشران خارجی فهرست ۲۱ هزار عنوان کتاب برای بارگذاری در بخش لاتین و عربی نمایشگاه دریافت شد.

او ادامه داد که پس از بررسی‌های کارشناسان این حوزه و بارگذاری در سامانه نمایشگاه، این کتاب‌ها در دسترس مخاطبان قرار گرفته است.

به گفته این مقام وزارت ارشاد فقط «کتاب‌های خارجی اندکی» از این فهرست حذف شدند.

اما مجید جعفری اقدم، مدیر آژانس ادبی و ترجمه پل، در یادداشتی با عنوان «یک شوخی تکراری!» این بخش از نمایشگاه مجازی کتاب تهران را زیر سوال برده و نوشته است: «متأسفانه در بخش بین‌الملل امسال در مقایسه با نمایشگاه پارسال تغییر و تحول خاصی صورت نگرفته است؛ به عبارت بهتر بخش بین‌الملل نمایشگاه امسال کپی ناشیانه‌ای از نمایشگاه پارسال است.»

به گفته جعفری اقدم، از میان ناشران خارجی «از ۱۱۲ ناشر خارجی، نصف‌شان (۵۶) ناشر چینی هستند. نصف بعدی ناشران از ۱۸ کشور دیگر هستند.»

او تاکید کرد که «اطلاعات مربوط به برخی کتاب‌های خارجی به زبان‌های غیرانگلیسی است. یعنی عملاً غیرقابل استفاده برای مخاطب ایرانی.»

در میان انتقادات از نمایشگاه مجازی کتاب تهران، کاربران شبکه‌های اجتماعی نیز برخی مشکلات را مطرح کرده‌اند. یک کاربر از عرضه نشدن کتاب‌های تخصصی انتقاد کرده بود و کاربر دیگر، به زیرساخت‌های معیوب وب‌سایت این نمایشگاه ایراد داشت. همچنین برخی نیز برگزاری چنین نمایشگاهی در این شرایط را موجب حذف کتاب‌فروشی‌ها و منفعت فقط برخی ناشران دانسته‌اند.

خبرگزاری ایسنا روز یکشنبه ۳ بهمن ۱۴۰۰ در خبری با عنوان «نمایشگاه مجازی کتاب ناشران را غافلگیر کرد!» نوشت در حالی که وزارت ارشاد تبلیغات گسترده‌ای مبنی بر ارسال رایگان کتاب در نمایشگاه مجازی کتاب انجام داده، این وزارتخانه طی پیامکی به ناشران در دقیقه ۹۰ اعلام کرد که هزینه پست کتاب به عهده ناشر است. ایسنا اضافه کرد که با چنین اقدامی، برخی ناشران از عرضه کتاب‌هایشان در این نمایشگاه منصرف شدند. بر اساس گزارش این خبرگزاری، همچنین امسال از ناشران خواسته شده برای جلوگیری از آسیب به کتاب‌ها از پاکت‌های پستی استفاده نکنند و کتاب‌ها را در جعبه پستی قرار دهند که این موضوع افزایش هزینه بسته‌بندی کتاب را به همراه داشته که «ناراحتی و گله ناشران را در پی داشته است.»

این خبرگزاری دولتی به نقل از یک ناشر نوشت: «این تصمیم یک‌دفعه با چه رویگری گرفته شده و باز هم کاسه و کوزه هر جا را بر سر ناشر شکستند. من کتاب‌هایم را کلاً غیرفعال کرده‌ام، چون زمانی که مشتری سفارش بدهد دیگر ناشر از نظر اخلاقی ملزم به ارسال کتاب است.»

کانون نویسندگان ایران هنوز درباره برگزاری نمایشگاه مجازی کتاب تهران موضع‌گیری نکرده، اما برخی نویسندگان در اظهارنظرهایی چندان از این نمایشگاه استقبال نکرده‌اند.

سیامک گلشیری، نویسنده، در این زمینه گفته است: «امسال هیچ تصویری ندارم. نمی‌دانم چه اتفاقی می‌افتد. فکر می‌کنم زمانی که نمایشگاه به شکل حضوری برگزار می‌شد، خیلی بهتر بود. واقعا ای کاش برویم به همان سمت.»

محمد طباطبایی، نویسنده و روزنامه‌نگار در یادداشتی با عنوان «چرا از نمایشگاه مجازی کتاب نمی‌خرم؟» که در خبرگزاری ایسنا منتشر کرده، نوشت برای حمایت از کتاب‌فروشی‌های مستقل از نمایشگاه مجازی کتاب نمی‌خرد.

وی در توضیح این که چرا با برگزاری نمایشگاه مجازی کتاب مخالف است، تاکید کرد: «زیرا چرخه طبیعی نشر را دچار خلل می‌کند.» از نظر این نویسنده، برای ساختار دولتی فقط این مهم است «که نسبت به راه‌اندازی یک شو کاری و نمایش فعالیت و دغدغه‌مندی برای عرصه فرهنگ اقدام کند و خب چه چیزی بهتر از نمایشگاه مجازی کتاب (اسمش را بگذاریم پویانمایی).»

طباطبایی با طرح پرسش‌هایی از اساس سودمند بودن برگزاری چنین نمایشگاهی را زیر سؤال برد و نوشت: «ناشران بزرگی که در نمایشگاه مجازی کتاب به لطف تبلیغات و شناخته شده بودن گونی گونی کتاب تحویل پست می‌دادند به‌طور حتم برگزاری نمایشگاه مجازی را موفق و موثر می‌دانند، اما ناشران کوچک چه‌طور؟ آن‌هایی که بدنه اصلی نشر هستند و کسی نمی‌شناسدشان هم از برگزاری نمایشگاه مجازی کتاب خوشحال بودند و هستند؟ آیا کتابفروش‌های شهرستان‌ها و کتابفروش‌های مستقل تهران از این رویداد استقبال کرده و می‌کنند؟ آیا کتابفروشی‌های آنلاین از نمایشگاه مجازی کتاب رضایت دارند؟»

همچنین ضحی کاظمی، نویسنده و مدیر کتابفروشی راما، به روزنامه شهروند گفته است: «سال گذشته در بهمن‌ماه، همزمان با نمایشگاه مجازی، رسماً به کما رفتیم. امروز هم که با شما صحبت می‌کنم، فروش‌مان صفر بوده! یعنی به محض این‌که نمایشگاه مجازی کتاب شروع می‌شود، ما دچار ضرر می‌شویم.»

وی برگزاری نمایشگاه مجازی کتاب را صرفاً به نفع دسته‌ای از ناشران دانست و تأکید کرد: «در واقع درست است که برپایی نمایشگاه ممکن است برای ناشران خوب باشد، اما ناشر در طول سال با پخش و کتابفروشی‌ها هم می‌تواند کار کند. اما این حرکت یعنی برگزاری نمایشگاه مجازی کتاب، در طولانی‌مدت باعث تضعیف کتابفروشی‌ها می‌شود و به آن‌ها ضربه می‌زند.»

محمدباقر کتابچی مدیر انتشارات و کتابفروشی اسلامیة در تهران نیز که در نمایشگاه مجازی کتاب شرکت نکرده، به ایسنا گفت با محدودیت‌هایی که در زمینه کاغذ اعمال شده، عملاً شرکت در نمایشگاه کتاب برای این ناشر غیرممکن شده است.

وی در ادامه سخنانش به دلیل کمبود و گرانی کاغذ افزود: «مقدار محدودی کتاب داشتیم که خودمان آن‌ها را می‌فروشیم. به همین خاطر، اصلاً در نمایشگاه مجازی کتاب شرکت نکرده‌ایم.»

اما ناشرانی که در دومین نمایشگاه مجازی کتاب تهران شرکت کرده‌اند نیز از چگونگی برگزاری آن چندان رضایت ندارند.

سانسور و فشارهای پیدا و پنهان وزارت ارشاد اسلامی برای دریافت مجوز انتشار کتاب یا شمارگان ناچیز کتاب خبرهای جدیدی نیستند.

از سال ۱۳۹۷ تا آغاز به کار دولت سیزدهم قیمت کاغذ پنج برابر شد. از اواسط تابستان سال جاری به این سو، تنها در کمتر از شش ماه قیمت کاغذ پنج برابر گردید.

کمبود کاغذ در ایران در ۴۰ سال گذشته همواره خبرساز بوده است. یک سر این بحث به سانسور غیرمستقیم برای حذف ناشران کوچک و دگراندیش اما فرهنگساز و برکشیدن ناشران دولتی و وابسته کردن سایر ناشران به نهادهای دولتی می‌رسد، سر دیگر بحث به رانت‌خواری و درآمدزایی از راه احتکار راه می‌برد.

با آغاز همه‌گیری جهانی و ویروس کرونا مصرف کاغذ در سراسر جهان کاهش یافت. همزمان با افزایش هزینه‌های حمل و نقل کاغذ به کشورهای واردکننده از جمله آمریکا، قیمت کاغذ در سطح جهانی حدود ۲۰ درصد افزایش یافت. با آغاز واکسیناسیون سراسری و کاهش محدودیت‌های اجتماعی در کشورهای صنعتی این روند اما متوقف شد. با این حال پیش‌بینی شده است که در سال جاری افزایش قیمت با شیب کمتری ادامه یابد. باید توجه داشت که در این میان کشورهای تولیدکننده به خاطر سودآوری بیش‌تر به تولید کاغذهای مرغوب رغبت پیدا کرده‌اند و این امر هم بر قیمت خمیر کاغذ و کاغذ چاپ و تحریر اثرگذار است.

آلمان، فنلاند و اندونزی بزرگترین کشورهای تامین‌کننده کاغذ چاپ و تحریر در سراسر جهان ۳۰ درصد از کاغذ مورد نیاز در جهان را تامین می‌کنند. چین، سوئد، کانادا، اتریش، ایالات متحده آمریکا، پرتغال، ایتالیا، کره جنوبی، برزیل و هلند از سایر تولیدکنندگان عمده کاغذ به شمار می‌آیند.

آمار واردات کاغذ با توجه به گفته سخن‌گوی گمرک جمهوری اسلامی ایران ۲۰۷ هزار و ۵۸۳ تن کاغذ چاپ و تحریر به ارزش ۹۰ میلیون و ۱۰۰ هزار و ۶۱۳ دلار در سال ۱۳۹۹ بوده است. بحث بر سر توزیع این مقدار کاغذ با توجه به نوسانات قیمت در بازارهای جهانی و با توجه به نیازهای داخلی است. در کانون این کشاکش است که رانت شکل

می‌گیرد و زمینه را نه تنها برای سودجویی دلالان فراهم می‌آورد بلکه با اعمال سیاست‌هایی سبب حذف ناشران کوچک و مستقل می‌شود.

دور سوم بحران کاغذ در ایران در تابستان ۱۳۹۷ بعد از خروج آمریکا از برجام و اعمال تحریم‌های بانکی و جهش قیمت دلار رقم خورد. دولت وقت ظاهراً به بهانه مهار کردن این بحران، کاغذ را جزو کالاهای استراتژیک قرار داد و به این ترتیب این کالا نیز از ارز ترجیحی برخوردار شد. اما به زودی معلوم شد که دو شرکت «هانا تجارت پرلایت» و «خدمات پشتیبانی صنعت پرشیا»، ۶۰ درصد کل ارز تخصیص داده شده به واردکنندگان کاغذ را دریافت کرده‌اند، بدون آن‌که کاغذ را وارد بازار کنند. قیمت هر بند کاغذ ۷۰ گرمی در این مدت از ۸۰ هزار تومان در هر بند به ۴۵۰ هزار تومان رسید و به این ترتیب بیش از ۵۰۰ درصد افزایش یافت. در اثر این بحران، در سال ۹۷ در مجموع قیمت کتاب دست‌کم ۵۰ درصد افزایش یافت و از شمارگان کتاب هم ۱۰ درصد کاسته شد. قیمت بسیاری از کتاب‌ها شناور شد. مطبوعات چاپی هم به بحران خوردند و ناگزیر از تعداد صفحاتشان کاستند.

با تداوم این روند نهادهای دولتی با توزیع کاغذ در بین ناشران در صدد تنظیم بازار برآمدند. قیمت در همان سطح ۴۵۰ هزار تومان در هر بند تثبیت شد اما ناگهان از اواسط ۱۴۰۰ با روی کار آمدن دولت رئیسی قیمت کاغذ با افزایش ۱۰۰ درصدی به ۸۰۰ هزار تومان در هر بند رسید و به این ترتیب در طی سه سال ۱۰ برابر شد. نکته این‌جاست که سیزدهم دوره انتخابات ریاست جمهوری و روی کار آمدن دولت رئیسی مقارن بود با مهار بحران همه‌گیری ویروس کرونا در جهان و تثبیت نسبی قیمت کاغذ در بازارهای جهانی از جمله در چین. پس پرسش این است که افزایش مجدد قیمت کاغذ در بازارهای داخلی از اواسط ۱۴۰۰ به این‌سو را با چه منطقی می‌توان توضیح داد؟

علیرضا بهرامی، مدیر انتشارات آرمان گفته است:

«طبیعتاً کسانی که در حوزه واردات و توزیع و تولی‌گری و دلالی کاغذ فعالیت می‌کنند زودتر از من و شما مطلع می‌شوند که چه کسانی کاغذ وارد کرده‌اند و چه کسانی ارز گرفته‌اند و کاغذ وارد نکرده‌اند با به نهادهای دولتی تحویل نداده‌اند. دست نهاد دولتی برای عرضه کاغذ جدید بسته می‌ماند. ناشران می‌شوند تقاضاگر بازار و از آن طرف کسی که به آن‌ها کاغذ را عرضه می‌کند، با وجود این همه نهاد نظارتی هر جور که دوست دارد رفتار می‌کند.»

از سوی دیگر با توجه به کوچک شدن سبب فرهنگی مردم در اثر گرانی‌ها، سهمیه‌ای که به این ناشران تعلق می‌گرفت، اغلب سر از بازار سیاه کاغذ درمی‌آورد. در پرتو این رانت، ناشران بزرگ، فربه شدند و ناشران کوچک از بین رفتند یا در آستانه ورشکستگی قرار گرفتند. ناشران کوچک که حالا دیگر برای بقای خود در تقلا هستند، نمی‌توانند برای آماده‌سازی کتاب هزینه کنند: ویرایش سردستی کتاب‌ها توسط ویراستاران نیمه‌حرفه‌ای و ارزان، صفحه‌بندی غیر اصولی کتاب‌ها و طراحی جلد غیر هنری از پیامدهای رانت‌خواری و دلالی کاغذ است.

زالال، تکا، شاهد، صریر، بنیاد اندیشه اسلامی، بنیاد بعثت، جهاد سازندگی، برگ، انجمن اولیا و مربیان، کافل، بنیاد جانبازان، گفت‌وگوی تمدن‌ها، همشهری، خانه روزنامه‌نگاران جوان، نمایش، فارابی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، کتاب رشد، روایت فتح، پالیزبان، آستانه حضرت معصومه، بنیاد ادبیات داستانی، الهدی، جوانه، اسوه، انتشارات سپاه پاسداران، مجمع جهانی اهل‌بیت، بنیاد حفظ آثار دفاع مقدس، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، سما، موسسه کیهان، بیمه، آژادگان، رجا، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی و ده‌ها ناشر دیگر از ناشران سربرار و رانت‌خوارند که در زمینه کتاب کودک و نوجوان هم فعالیت‌هایی دارند.

جمهوری اسلامی ایران در غیاب نویسندگان و روشنفکران بزرگ و مردمی و با کمک سرکوب اندیشمندان و متفکران واقعی، با کمک همین سهمیه‌بندی‌ها و ایجاد رانت‌ها سعی در معرفی چهره‌های وابسته به خود داشته است.

به این ترتیب کارگروه ارشاد اسلامی زمینه را برای رانت‌خواری ناشران بزرگ فراهم می‌آورد. برخی ناشران که عمدتاً یک سرشان به حاکمیت وصل است، کاغذها را در سیلوهای انبار می‌کنند و سپس بخشی از این کاغذها را با قیمت گران در اختیار قاچاقچیان قرار می‌دهد.

همچنین پس از سخنان مکرر علی خامنه‌ای در خصوص جلوگیری از گسترش توجه به علوم انسانی در دانشگاه‌ها و نارضایتی از وضعیت انتشار کتاب‌های این حوزه، ناشران شاهد سخت‌گیری‌های بیش‌تر در این زمینه است. تاکنون در نمازخانه بزرگ و نیم‌ساخته «مصلای امام خمینی»، فضای کوچکی به ناشران داده می‌شد تا تولیدات خود را بدون واسطه به مراجعان عرضه کنند. با روی کار آمدن دولت محمود احمدی‌نژاد محل برگزاری نمایشگاه کتاب تهران از مرکز نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران به مصلای نیمه ساخته و بدون استفاده در خیابان بهشتی تغییر کرد.

در این نمایشگاه به اصطلاح کتاب، غرفه‌ها به‌شکلی تقسیم می‌شد تا مکان‌های کوچک، دور از دسترس و نامناسب به ناشرانی که وزارت ارشاد با آن‌ها رابطه خوبی نداشت تعلق گیرد. برخی از ناشران نامطلوب از نظر حکومت به بهانه‌های مختلف از حضور در نمایشگاه کتاب محروم می‌شدند.

جمع‌آوری کتاب‌ها هم هر سال در جریان بود. در روزهای نخستین نمایشگاه برخی از کتاب‌ها توسط ماموران وزارت ارشاد جمع‌آوری می‌شد. در حالی این کتاب‌ها با مجوز همین وزارت‌خانه منتشر شده بودند.

وب‌سایت متمرکز فروش کتاب به اسم «دومین نمایشگاه مجازی کتاب تهران» با مشکلات فراوانی همراه است. گذشته از این‌که اصولاً مشخص نیست وقتی قرار است فروش کتاب به وب‌سایتی اینترنتی منتقل شود، چرا دیگر نام این وب‌سایت «نمایشگاه» است و فقط در دوره‌ای چند روزه قابل دسترس است. گذشته از این اگر فروشگاه اینترنتی راه‌اندازی شده می‌تواند دایمی باشد و اصولاً دنیای مجازی مرز جغرافیایی ندارد که نام تهران برای آن برگزیده شود.

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که ابعاد سانسور و اختناق و نقض فاحش و سیستماتیک حقوق بشر در ایران از هر جهت فراتر از حد تصور و هر روز رو به گسترش است. فهرست انواع نقض حقوق بشر و سانسور و اختناق در ایران بسیار طولانی است: تهدید و تعقیب، زندان و شکنجه و سایر مجازات‌های ظالمانه و غیرانسانی، بازداشت‌های مداوم و اغلب بسیار طولانی پیش از آغاز محاکمه که آن هم بر اساس اتهام‌های مبهم حتی برای صدور و اجرای حکم اعدام صورت می‌گیرد، اعدام مخالفان و نوجوانان و استفاده از مجازات اعدام برای «جرائم» غیرمهم، تبعیض سیستماتیک زنان و نقض حقوق کودکان، نقض حقوق خلق‌های سراسر ایران و اقلیت‌های مذهبی، سرکوب هرگونه مخالفت و انتقاد، سرکوب شدید و حتی کشتار مردم معترض، افزایش تعداد زندانیان سیاسی و فشارهای شدید بر آن‌ها، نفی آزادی گردهمایی، تشکل، بیان و مطبوعات، سانسور کتاب‌ها و مسدود کردن وب‌سایت‌ها، بلاگ‌ها و...

بی‌گمان پیچیدگی‌ها و مشکلات ذاتی و ناکارآمدی نشر سنتی در ایران وقتی که با محدودیت‌های فعلی یعنی نگاه عمدتاً سیاسی و امنیتی به مقوله نشر و نویسنده و تولید فرهنگی ترکیب می‌شود، نتیجه نامطلوبی بر بخش‌های مختلف جامعه می‌گذارد.

به‌طور کلی سیاست‌های حاکمیت ۴۴ ساله جمهوری اسلامی، نشان می‌دهد که این حکومت و در راس همه خامنه‌ای به هیچ‌وجه موازین حقوق انسانی را قبول ندارد و عمیقاً به کنترل جامعه توسط اهرم‌های امنیتی و مناسبات سلطه و سرکوب باور دارد. از این‌رو، سانسور و سرکوب، نقض برنامه‌ریزی شده سرکوب آزادی‌های فردی و جمعی و آزادی بیان و اندیشه، در کنار فساد سیاسی و اقتصادی گسترده در تمام ارگان‌ها و نهادها و مقامات دولتی، از ارکان ثابت و محوری جمهوری اسلامی در بیش از چهار دهه اخیر بوده است.

در این ۴۴ سال نه تنها ذره‌ای از شدت خشونت و نقض حقوق شهروندی کاسته نشده، بلکه دامنه و پیچیدگی آن افزایش یافته و در همه عرصه‌های عمومی و خصوصی تسری داده شده است. همچنین ساختار سرکوب در دهه‌های اخیر، حالت نهادینه شده و سیستماتیک پیدا کرده است.

در چنین شرایطی، هیچ‌گونه چشم‌انداز و دورنمای اصلاحات و رفرم در جمهوری اسلامی دیده نمی‌شود و به همین دلیل تنها راهی که در مقابل اکثریت جامعه ایران وجود دارد تلاش برای سرنگونی کلیت این حکومت و برپایی یک جامعه آزاد و برابر و بدون خشونت و سانسور و اختناق است.

یکشنبه دهم بهمن [دلو] ۱۴۰۰ - سی‌ام جنوری ۲۰۲۲